



۲۰۲۰/۰۱/۰۲



احسان الله مایار

افغانستان گورستان آرمان ها

و



با راستی در جنگ

روز نهم سپتمبر ۲۰۰۱م به معیت مرحوم داکتر عزیزالله لودین، بعد از تبادل نظر با دوست مشترک ما دیپلوم انجنیر کریم عطائی در سان گالن سویس، به ژنیو موصلت نمودیم. منظور سفر ما به ژنیو در رابطه با راهیابی و بیرونرفت از موضع بغرنج و به گندی گرائیدن قضیه افغانستان و در قبال آن مذاکره با نماینده خاص ملل متحد برای افغانستان آقای واندل Francesc Vendrell در مقر ملل متحد بود. حین موصلت به هوتل آقای همایون جریر، سرشته دار اجلاس صلح قبرس از ما پذیرائی نموده و بدون مکث گفت: "آقای سباون تلفون کرده گفت احمدشاه مسعود کشته شد".



خبر قتل مسعود از دید تعداد کثیری یک توطئه سیاسی ذات البینی تلقی گردیده و روایت است تعدادی از همزمان وی در قتل وی شریک بودند، لیک در حلقات دست اندرکاران سیاسی خارجی در قضیه افغانستان نقطه ای عطف شمرده شده است.

روز یازدهم سپتمبر نوبت مذاکرات ما با واندل بعد از ظهر آن روز تعیین گردیده بود.

آقای فرانسس واندل

در اطاق مذاکرات، هیئتی از وزارت خارجه ایتالیا، آلمان و ایران و

حاضر بودند و حینیکه هیئت هفت نفری "صلح قبرس"، خانم صدیقه بلخی، داکتر عزیزالله لودین، داکتر جلیل شمس، داکتر قدیر امیریار، همایون جریر، سید اسحق گیلانی و بنده وارد شدند با وضع نیک از آنها پذیرائی نمودند.

آقای واندل را از جمله شخصیت‌های نیک و دوست افغانستان می شناختیم که با چند نفر سابقه و آینده نمایندگان ملل متحد بعد از وی نمیتوان وی را مقایسه نمود. وی در صحبت های خصوصی و رسمی همیش از وحدت و

یک دست بودن آزادیخواهان افغان صحبت می نمود و از کسانی که منافع شخصی و قومی خود را بلندتر از منافع ملی افغانستان میدانستند سخت نفرت داشت.

واندرل چندین بار به روم سفر کرده و با اعلیحضرت محمدظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان صحبت های طولانی داشته و از موقف اعلیحضرت در حل قضیه افغانستان طرفداری می کرد.

در بیانیه افتتاحیه خویش آقای وندرل بیشتر تأکید به وحدت حلقات سیاسی نمودند و بارها هوشدار می نمود که نفاق و ترجیح منافع شخصی، قومی و غیره باعث بربادی کشورها و ملت آن گردیده و نباید این پدیده نامیمون را در افغانستان امتحان نمود.

واندرل در صحبت امروزی خویش بیرق کوچکی سیاه سرخ و سبز با محراب و منبر زمان شاهی افغانستان را بالای میز در برابر خود داشته و دو بار آنرا بالا کرده و به حرکت آورده و خطاب به حاضرین نموده اظهار داشت از شما همه مُصر تقاضا می نمایم تا در پی نجات وطن تان بکوشید و سعی کنید که همه تحت همین لواء گردیم آمده منافع ملی تان را مقدس شمرده و علایق خودی خود را زیر پا بگذارید.

حوالی سه بعد از ظهر همان روز، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که نوبت صحبت بنده بود دروازه باز شد و یک نفر از مردم شرق دور با عجله داخل سالون شد و به گوش وندرل چیزی گفت. وندرل هدایتی به وی داده و به بنده اجازه داد تا صحبت خود را دوام بدهم.

در سوال و جواب مصروف بودیم که بار دیگر همان شخص داخل اطاق شد و وندرل چوکی عراده دار خود را پس کشیده با دقت به راپور وی گوش داد. بعد از ختم صحبت با وی وندرل با صراحت به اطلاع همه رسانید که امریکا تحت حملات تروریستی قرار گرفته و دو بال طیاره با مسافری آن به ساختمانهای تجاری نیویارک تصادم نموده است.

همه سکوت اختیار نموده و بعد از چند دقیقه اجلاس خاتمه یافت.

این سانحه در امریکا همه رویداد های دیگر جهانی را تحت شعاع خود قرار داده صفحه ای جدید پر از خون و تباهی در نقاط مختلف جهان را باز گردانید که نسل ما مستقیماً تحت تأثیر آن قرار گرفته که هنوز هم در سرنوشت ملیون ها انسان و ممالک در حال تپیدن و رهائی از آن ختم ندارد.

بعد از خداحافظی با مدعوین به هتل بازگشتیم و در باره رویداد اجلاس امروزی بحث نموده و از زوایای مختلف بالای آن روشنی انداخته شد.

در گفت و شنود طولانی تصمیم اتخاذ گردید تا یک هیئت با صلاحیت به روم سفر نموده و مطالب مطروحه اجلاس امروزی را با شخص اعلیحضرت و همکاران شان مطرح نمایند.

در اجلاس فیصله شد تا هیئتی مشتمل بر داکتر قدیر امیریار و سیداسحق گیلانی و بنده فردای همان روز به روم سفر نماییم.

قراری که اطلاع داشتیم هیئت پروسه روم هنوز در ژنیو بودند و تلفونی با آقای مصطفی ظاهر تماس گرفتیم. شهزاده میرویس و مصطفی ظاهر، پسر و نواسه اعلیحضرت هر دو در میدان هوایی بودند و ما، گیلانی و بنده به میدان هوایی رفته و در حدود نیم ساعت قبل از پرواز هر دو صحبت و توسط آنها پیغام سفر خود را به روم و مذاکره با اعلیحضرت را تثبیت نموده به هتل بازگشتیم و دوستان را از جریان مطلع گردانیدیم.

صبح روز بعد موتر سرشته کردیم و هر سه به صوب روم حرکت نمودیم. حوالی شام در نصف منزل به هوتل پائین شدیم و روز دیگر در حوالی شام به روم مواصلت نمودیم.

بعد از صحبت تلفونی با جنرال عبدالولی قرار گذاشته شد تا فردا حوالی سه بعد از ظهر در منزل وی رفته و در مورد آنچه در نظر است صحبت نمائیم.

در منزل جنرال عبدالولی علاوه بر سردار عبدالولی همسر شان شاهدخت بلقیس، میرمن هلینا ملکیار، شهزاده میرویس و داکتر زلمی رسول از ما پذیرائی نمودند.

بین دوستان همسفرم توافق گردیده تا بنده منحیث سخنگوی آنها موضوع را مطرح نمایم.

بنده بنابر پلان در نظر داشته ما صحبت را بیشتر به عمومیات موضوع توجه نموده تا اینکه در مورد اصل مطلب با سردار طرح نمایم. هیئت ما در نظر داشتیم که با حضور سردار عبدالولی با اعلیحضرت در باره چگونگی همکاری مشترک صحبت نموده و به اتکای پیام آقای واندرل در باره نحو ائتلاف غور نمائیم. درگذشته تعامل چنان بود که قبل از مذاکره با اعلیحضرت در منزل جنرال صحبت‌های ابتدائی و عمومی آغاز شده و بعد از آن دسته جمعی به خدمت اعلیحضرت می رسیدیم.



بعد از تقریباً دو ساعت به مهماندار ما حالی نمودیم که نزد اعلیحضرت چی وقت میرویم سردار جواب داد اعلیحضرت مریض است از ملاقات با شما معذرت می خواهد کوشش می نمایم تا فردا شما را ببیند.

صحبت‌ها را کوتاه نموده با اشاره به دوستان خداحافظی نموده و عکس یادگار با شاهدخت بلقیس و شهزاده میرویس گرفته مرخص شدیم.

از ر به چ: امیریار، گیلانی، میرویس، شاهدخت بلقیس و مایار

تا موتر شهزاده میرویس و زلمی رسول ما را بدرقه نموده و از اینکه اعلیحضرت را دیده نتوانستیم معذرت خواستند. برای ما واضح شد که زیر کاسه نیم کاسه ای وجود دارد اما نمی دانستیم که چی خواهد بود. وقتیکه به هوتل مواصلت نمودیم آقای مصطفی ظاهر دو بار پیغام گذاشته بود تا هر چه زودتر با وی تماس بگیریم. بعد از صحبت تلفونی قرار گذاشته تا فردا ساعت ۵ صبح قبل از بازگشت ما به ژنیو با هم ببینیم.

به ساعت موعود آقای مصطفی ظاهر به هوتل آمده و در آغاز صحبت واضح شد که بین اعضای پروسه روم نوعی تشنج خلق گردیده و در راه مستقیم مذاکرات با اعلیحضرت بنحوی خدشه وارد آمده که مانع سیر سالم تحرکات گردیده می تواند. نا راحتی و ثبوت نگرانی ما بدون از شک زمانی تقویه گردید که حوالی ۱۰ صبح حین سفر تلفون اعلیحضرت مستقیماً به نمره گیلانی به صدا آمد و اعلیحضرت اظهار نمودند که غلط فهمی نسبت به مریضی من رخ داده و در آینده از طریق مصطفی با من تماس بگیرید.

با اعلام چند جمله فوق از گفتار اعلیحضرت، زنگ خطر به گوش همه به صدا در آمده و با تأسف وقتاً فوقتاً اخبار ناراحت کننده که منجر به کناره گیری و یا بهتر افاده نمایم، تجرید عمدی بعضی شخصیت های مهم پروسه

روم و معتمدین تراز اول اعلیحضرت بیشتر مایه نگرانی گردیده هر یک سعی می نمودند تا زمینه نزدیک گردانیدن مجدد چنین شخصیتها را مساعد گردانند.

این موضوع را کنار گذاشته بر می گردم بالای عناوینی منتخب که رابطه بالای اندیشه های سازنده و نجات دهنده مردم های که با نیت پاک در راه آزادی افغانستان تپیدند و در نهایت به سرمنزل مقصود نرسیدند، داشتند و لیک مؤثر بالای زندگی بقایای نسل های دیروز و فردای افغانستان بوده و خواهد بود.

بنده متیقنم که کتله قابل بهای مردم افغان، زن و مرد، از آغاز سال منحوس به قدرت رسانده شدن گروه خلق و پرچم، در همه اکناف داخل و خارج از میهن سعی می نمودند تا راهی برای نجات زادگاه خود پیدا نموده تا مردم معصوم افغان سزاوار بوده تا هر گونه ارزش های زیبای زندگی خود را به دست آورند.

ما که در دوم دهه قرن بیست و یکم زندگی می کنیم اجازه و صلاحیت نداریم تا اشتباهات آزادیخواهان افغان را از دید امروز ارزیابی نموده نقایص در کار شان را به روی آنها بکشیم.

بنده هنوز هم مصر به آن معتقدم که افغان ها راه نجات وطن خود را تشخیص نموده بودند و می دانستند با کدام ذرائع و وسیله افغانستان ماهیت اشغال شده خود را طرد نموده و چهره ازاده خود را دوباره به دست آورد، در صورتیکه مورد تهاجم کشورهای عضو ناتو و در رأس آن امریکا قرار نمی گرفت.

کسانیکه برای نجات افغانستان مبارزه می کردند می دانستند که قدرت های حاکم در کجا قرار دارند و راه حل آنرا از طریق مذاکرات رویارویی می جستند.

مذاکرات بین افغانی که قریب به بیست سال قبل بایست به راه می افتاد امروز جهان متقاعد گردیده که بایست صورت بگیرد و به بهای که در عنوان "جنگ با راستی" قید گردیده است.

اگر ادعا نمایم که قریب به بیست سال قبل آرمان افغان های ازاده که در راه نجات و آزادی میهن خود به هر در و کوچه دویدند و تپیدند و مجروح ها، چینهزائی ها، کتوازی ها، کروخیل ها و و خود را قربانی دادند بدون سر و صدا در لحد سپرده شدند، شاید خطا نکرده باشم.

خوشنودم که دوست عزیز و دانشمند داکتر میر عبدالرحیم عزیز با قلم نهایت توانای خود در چهار قسمت زیر عنوان

"امپریالیزم و تروریزم در افغانستان و شرق میانه" مقال ۶ قسمتی و اشنگتن پست "جنگ با راستی" را با درایت حلاجی نموده که بنده با جمع بندی اخیر جناب داکتر عزیز نوشته خود را بسته می نمایم.

وی با نظر وارد در قضایا خود سوالی طرح نموده و جواب آن را از دید یک دانشمند به خوانندگان عرضه می دارد. ما می خوانیم که:

"چطور کشور ما و شرق میانه میتواند ازین ورطه نجات یابد و از شر امپریالیزم رهائی بجوید؟ قیام های مردمی علیه نظام های ضد ملی، زدودن تعصبات مذهبی و قومی، گسترش دانش و علم فرهنگ، تعمیم عدالت اجتماعی و دموکراسی واقعی، درک درست از نیت قدرت های تجاوزگر و در مجموع سیاست جهان و پیشرفت سالم اقتصادی میتواند افغانستان و شرق میانه را به پای خود استاده کند و توطئه های امپریالیزم را در نطفه خنثی نماید. در غیر آن افغانستان و شرق میانه تا چند دهه دیگر در اشغال استعمار جهانی باقی خواهد ماند. داکتر عزیز" ختم